

Immunity of International Non-governmental Organizations: Inconsistency in International Practice and Doctrine (Original Research)

Haleh Hosseini Akbarnejad*

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2023.707228

Date Received: 10 Aug. 2023

Date Accepted: 7 May. 2023

Abstract

The role of international non-governmental organizations has been promoted in the last half-century, and the scope of their activities has been expanded. Despite the fact that non-governmental organizations are recognized as the subsidiary subjects of international law and their establishment and formation are conducted by private persons and according to the domestic laws of countries, the important status of some of them in the international community has raised many legal issues. One of the issues that will be discussed in this article is whether the aforementioned organizations, similar to international organizations enjoy immunity based on having international legal personality, functionalism or structuralism? As the research hypothesis, it is suggested that for granting immunity to non-governmental organizations, we observe a selective practice of governments toward a few organizations, and the basis of immunity is also explained on a new approach consisting of functionalism and structuralism doctrines. Thus, mixed administration or financing, performing a mission related to the international public interests and official recognition through a multilateral treaty or frequent resolutions of an international governmental organization, are the indicators for granting immunity.

Keywords

International Non-Governmental Organizations, Immunity, International Legal Personality, Functionalism, Structuralism.

* Assistant Prof., Department of Law, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, Akbarnejad@soc.ikiu.ac.ir



مصونیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی: عدم وفاق در رویه بین‌المللی و دکترین (پژوهشی)

هاله حسینی اکبرنژاد *

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2023.707228

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

چکیده

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در نیم قرن اخیر ارتقا یافته و حیطه فعالیت‌ها آن‌ها موسع شده است. سازمان‌های غیردولتی علی‌رغم اینکه در حقوق بین‌الملل به‌عنوان تابعان فرعی شناخته می‌شوند و بنای تأسیس و شکل‌گیری آن‌ها توسط اشخاص خصوصی و به موجب قوانین داخلی کشورهاست، اما جایگاه مهم و عملکرد تأثیرگذار برخی از آن‌ها در جامعه بین‌المللی موجد طرح مسائل حقوقی متعدد شده است. از جمله در مقاله به این موضوع پرداخته خواهد شد که آیا سازمان‌های مذکور، مشابه سازمان‌های بین‌المللی بر مبنای برخورداری از شخصیت حقوقی بین‌المللی، کارکردگرایی یا ساختارگرایی، برخوردار از مصونیت هستند یا خیر؟ در پاسخ به سؤال فوق و به‌عنوان فرضیه تحقیق، مطرح است که در مورد اعطای مصونیت به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، دولت‌ها در رابطه با معدودی از سازمان‌ها عملکرد گزینشی دارند و در مورد مبنای مصونیت نیز رهیافت جدیدی مشتمل بر کارکردگرایی و ساختارگرایی مطرح است. به این ترتیب، مختلط‌بودن اداره یا تأمین مالی، ایفای مأموریتی مرتبط با منافع بین‌المللی عمومی و شناسایی رسمی در چارچوب یک معاهده چندجانبه یا قطعنامه‌های مکرر یک سازمان بین‌المللی دولتی از جمله شاخص‌های اعطای مصونیت مطرح هستند.

واژگان کلیدی

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، مصونیت، شخصیت حقوقی بین‌المللی، کارکردگرایی، ساختارگرایی

* استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
akbarnejad@soc.ikiu.ac.ir

مقدمه

ظهور جامعه مدنی بین‌المللی و ورود سازمان‌های غیردولتی به روابط بین‌الملل به‌عنوان بازیگران جدید، نقطه عطفی در مشارکت آن‌ها در کنار تابعان حقوق بین‌الملل است. حضور و مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دو فرایند شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی و نظارت و اجرای آن‌ها محقق می‌شود. تنوع فعالیت این سازمان‌ها باعث ظهور نقش‌های متفاوتی می‌شود که در یک حوزه به‌عنوان مکمل فعالیت دولت و سازمان‌های بین‌المللی است، در حالی که در حوزه دیگر به‌عنوان رقیب دولت تجلی پیدا می‌کند. در بعضی از زمینه‌ها همچون حقوق بشردوستانه، حقوق محیط‌زیست و توسعه، حضورشان پررنگ است و در راستای انجام وظایف تعیین‌شده در اساسنامه‌شان یا سایر اسناد بین‌المللی، به کمک و دستگیری قربانیان و مصدومین می‌پردازند و در بعضی از زمینه‌ها چون حقوق بشر، در مقابل دولت‌ها قرار می‌گیرند.^۱ سازمان‌های غیردولتی هر زمان که اقتضا کرده، با ایجاد زمینه‌های مناسب برای جلب افکار عمومی در قلمرو مسائل مربوط به حقوق بشر، توسعه خلع سلاح و ... توانسته‌اند در مذاکرات ارکان مختلف سازمان ملل به مداخله بپردازند.^۲ بی‌شک ایجاد و توسعه سازمان‌های غیردولتی نشان‌دهنده تأثیر مثبت این سازمان‌ها در پاسخگویی به نیازهایی است که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی به‌تنهایی در پاسخ به آن‌ها موفق نبوده‌اند. پس از جنگ جهانی دوم، ظهور این نوع سازمان‌ها افزایش چشمگیر داشت. از این رو منشور ملل متحد در ماده ۷۱ به این بازیگران بین‌المللی اختصاص یافت.^۳ امروز با توجه به گستره فعالیت‌ها، مباحث مهمی حول سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی مطرح است. این مقاله به تبیین مصونیت این سازمان‌ها می‌پردازد، اگرچه این موضوع در حال حاضر بیشتر در عرصه دکترین مطرح است و در رویه بین‌المللی فقط در قبال معدود سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی مورد شناسایی قرار گرفته است.

۱. محمدحسین رمضانی قوام‌آبادی، «حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی»، فصلنامه حقوق ۳۸، ۲ (۱۳۷۸): ۱۵۴.

۲. ابراهیم بیگزاده، «تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵ (۱۳۷۳): ۳۲۱.

۳. قدیمی‌ترین سازمان بین‌المللی غیردولتی را سازمان کلیساهای مسیحی عنوان کرده‌اند که در اوایل قرن ششم میلادی با صدور اوامر مذهبی از مرکز فعالیت می‌کردند. پیش از شروع جنگ جهانی اول در ۱۹۱۷ نهادهای شبیه به سازمان‌های غیردولتی امروزی با موضوعاتی علمی و بعضاً آرمانی به وجود آمدند اما اصطلاح «سازمان غیردولتی» تا قرن بیستم مورد استفاده قرار نگرفته بود. پس از جنگ جهانی اول، از جمله دو نهاد بزرگ اقتصادی در قالب غیردولتی ایجاد شدند؛ یکی سازمان بین‌المللی برای استانداردسازی و دیگری کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های تجارت آزاد. میثاق جامعه ملل به وضعیت سازمان‌های غیردولتی اشاره‌ای نداشت اما در ماده ۲۵ خود به سازمان‌های ملی صلیب سرخ که ویژگی غیردولتی داشتند و دارند اشاره می‌کرد. اساسنامه سازمان بین‌المللی کار مصوب ۱۹۱۹ نیز از «نمایندگان غیردولتی» صحبت به میان آورد. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: سیدیاسر ضیائی و سیدهادی پژومان، «وضعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۸، ۱۵ (۱۳۸۸).

۱. تعریف سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

در چند دهه اخیر، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از نظر تعداد، تنوع و سطح فعالیت، توسعه و رشد چشمگیری داشته‌اند. مشارکت در تنظیم پیش‌نویس اسناد بین‌المللی، ایفای نقش فعال در کنفرانس‌های بین‌المللی و بسیج افکار عمومی برای پذیرش معاهدات جهانی، نمونه‌هایی از فعالیت سازنده در کنار دولت‌ها برای شکل‌گیری قواعد بین‌المللی است. نقش این سازمان‌ها در اجرای قواعد بین‌المللی در مواردی همچون محافظت از محیط‌زیست، اجرای حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، به‌ویژه کمک‌های بشردوستانه، ممتاز بوده است.^۴ نقش و اهمیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی با جهانی‌شدن و رشد نهادهای جهانی افزایش یافته است. علی‌رغم این رشد، تحقیقات اندکی در مورد مدیریت این سازمان‌ها انجام شده است و به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد آن‌ها، برخی نظریه‌های مطرح برای سازمان‌های بین‌المللی دولتی در مورد آن‌ها قابل اعمال نیستند. با تأثیر فزاینده بر رفاه اجتماعی و اقتصادی مردم در جامعه امروزی، عملکرد و مدیریت سازمان‌های غیردولتی اهمیت فزاینده‌ای یافته است. تنها در دو دهه گذشته، جهانی‌شدن منجر به ظهور سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی شده است.^۵ در مورد تعریف سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، دو رویکرد کلی مطرح است: رویکرد همگانی که مدعی احراز حقوق و تکالیف دقیق این سازمان‌ها در حقوق بین‌الملل است، و رویکرد تعیین عناصر حداقلی که مقتضی عدم امکان دستیابی به تعریفی جامع و متعاقباً مدعی انعطاف‌پذیری و پویایی این‌گونه سازمان‌ها است. تعریف حداقلی ذیل با توجه به برخی ویژگی‌های اصلی و مهم سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی ارائه شده است: «سازمانی مستقل (عدم وابستگی مالی و سیاسی به دولت‌ها) که اعضای آن خصوصی (و نه لزوماً حقیقی) باشند و داوطلبانه و با هدف تعقیب منافع عمومی (غیرانتفاعی) در نظام ملی یک کشور ثبت شده‌اند و فعالیت آن‌ها در بیش از یک کشور صورت می‌گیرد، به این شرط که فعالیت‌شان آن‌ها مغایر با قواعد امره بین‌المللی نباشد».^۶ همچنین سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، مؤسسات غیرانتفاعی تعریف شده‌اند که هدف اصلی از ایجاد و فعالیت آن‌ها، تأمین مصالح و منافع عمومی و فعالیت آن‌ها دارای حالت فرامرزی است. این سازمان‌ها که به واسطه یک دولت یا توافقی میان

۴. غلامعلی قاسمی و محمدصالح تسخیری، «شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۹، ۵۵ (۱۳۹۶): ۲۳۸.

۵. Hume, Jessica and Leonard, Anné, "Exploring the strategic potential of internal communication in international non-governmental organisations", *Public Relations Review*, 2013, Vol. 40(2), p. 2.

۶. به دلیل ماهیت سازمان بین‌المللی غیردولتی، برخی مسائل حقوقی مرتبط با این سازمان‌ها به حقوق و صلاحیت کشورهایی که سازمان غیردولتی در آن تأسیس می‌شود، واگذار شده است. مشکل مرتبط با قانون قابل اعمال، عملاً زمانی مطرح می‌شود که یک سازمان غیردولتی مرزهای ملی را درنوردد یا زمانی که سازمان بین‌المللی دولتی با آن مرتبط شود. ن.ک: ضیائی و پژومان، همان، ۲۶۳-۲۶۴.

دولت‌ها ایجاد نمی‌شوند، تحت عناوینی همچون اتحادیه، انجمن، فدراسیون، مؤسسه و گروه در صحنه‌های بین‌المللی نقش‌های مهمی ایفا می‌نمایند.^۷ در تعاریف دیگری از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی مقرر شده: سازمان‌هایی هستند که از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر از دولت‌ها تشکیل می‌شوند، یا سازمان غیردولتی به هر سازمان غیردولتی و داوطلبانه‌ای اطلاق می‌شود که در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی فعالیت دارد و افرادی با علائق مشترک آن را اداره می‌کنند. حضور و مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دو فرایند شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی و نظارت و اجرای آن‌ها محقق می‌شود.^۸ همچنین به‌عنوان سازمان‌های غیرانتفاعی خودگردان تعریف شده‌اند که در سطح بین‌المللی برای پیشبرد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، حفاظت از محیط‌زیست و سایر خدمات عمومی فعالیت می‌کنند، راه‌حل بسیاری از مشکلات اجتماعی و اداری هستند و می‌توانند برخی از خلأهای سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها را جبران کنند.^۹ با اینکه مفهوم سازمان غیردولتی به معنای سازمان غیردولتی، غیرانتفاعی و داوطلبانه تلقی می‌شود، اما برخلاف بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی در اکثر موارد به ثبت رسیده‌اند و نیز دارای ساختار سازمانی هستند.^{۱۰} در واقع استفاده از واژه «سازمان» برای این نهادها بیانگر نوعی تداوم در ساختار این ارکان است. بر همین اساس سازمان‌های غیردولتی باید دارای حداقل ساختار دائمی سازمانی، دفتر و درآمد باشند. لازمه تداوم فعالیت‌های این سازمان‌ها درآمد مالی بوده و هدف از آن کسب سود و منفعت نیست. ویژگی مهم این سازمان‌ها «غیردولتی بودن» آنان است.^{۱۱} با توجه به مطالب فوق، به نظر می‌رسد در ارائه تعریف جامع از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، تصریح به ویژگی مستقل بودن، تأسیس طبق قوانین داخلی و توسط اشخاص خصوصی، ساختار نهادینه و دائمی و همچنین ماهیت عملکرد و فعالیت بین‌المللی سازمان فراتر از قلمرو داخلی یک دولت، از جمله عناصر کلیدی تعریف قلمداد می‌شوند.

۲. سیر تحول سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در نظام بین‌المللی

در رویه بین‌المللی، ظهور سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان بازیگر در سطوح ملی و بین‌المللی از

۷. قاسمی و تسخیری، همان، ۲۱۷.

۸. مرتضی کامل نواب و غلامعلی قاسمی، «نقش سازمان‌های غیردولتی در فرایند رسیدگی دیوان اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ۲۲، ۱ (۱۴۰۱): ۵۳۲.

۹. R. Ossewaarde, A. Nijhof & L. Heyse, "Dynamics of NGO legitimacy: How organising betrays core missions of INGOs", *Public administration and development*, Vol. 28(1), 2008, p. 42.

۱۰. پوریا عسکری، «مناسبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی در آیین تغییر»، *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۸، ۱۵ (۱۳۸۸): ۳۴۵.

۱۱. پوریا عسکری و نیلوفر سعیدی، «سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و نظارت بر اجرای حقوق بشر با تأکید بر عفو بین‌الملل»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی* ۱۸، ۵۳ (۱۳۹۵): ۳۰-۳۱.

دهه ۱۹۶۰ به بعد، قسمتی از یک ضرورت طبیعی در نظام بین‌المللی و واکنشی در مقابل ناتوانی آن در تأمین عدالت و نیازهای بشری، امنیت، مداخله‌های بشردوستانه و حقوق بشر بود که در مواجهه با دیدگاه‌هایی که صرفاً در پی احترام به حاکمیت سرزمینی بوده‌اند، یک تحول و انعطاف‌پذیری محسوب می‌شود.^{۱۲} شورای اقتصادی و اجتماعی در ۱۹۵۰ قطعنامه‌ای تصویب و سه شرط برای سازمان‌های مشمول این ماده مقرر کرد: شناخته شده باشند؛ نمایندگی بخش مهمی از قلمرو محل فعالیت‌شان را به عهده داشته باشند و سند مؤسس آن‌ها غیرمعاهده‌ای باشد.^{۱۳} شورا در قطعنامه‌های بعدی خود به ترتیب در ۱۹۶۸ و ۱۹۹۶ عناصر دیگری را برای تشخیص سازمان‌های غیردولتی اضافه کرد: فعالیت سازمان در حوزه صلاحیت شورای اقتصادی و اجتماعی باشد، اهداف سازمان با روح، اهداف و اصول منشور ملل متحد مطابقت داشته باشد، از اشتها بین‌المللی برخوردار باشد، توانایی نمایندگی از سوی اعضای خود را داشته باشد، کشورهای متعددی را تحت پوشش خود داشته باشد،^{۱۴} تأسیس آن دموکراتیک باشد، از منابع مالی مستقل برخوردار باشد، دارای مقر باشد و بعضاً سازوکار مناسب برای پاسخگویی را داشته باشد.^{۱۵} «معاهده اروپایی به رسمیت‌شناسی شخصیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی»^{۱۶} که به‌عنوان کنوانسیون استراسبورگ ۱۹۸۶ نیز شناخته می‌شود، در تعریفی که ارائه داده، دو عنصر «غیرانتفاعی بودن» و «فعالیت در حداقل دو کشور» را اضافه کرده است. اصول راهنمای کشورهای امریکایی^{۱۷} نیز تنها «ماهیت خصوصی» داشتن این‌گونه سازمان‌ها را برای حضور آن‌ها در این سازمان کافی دانسته است.^{۱۸}

نقطه اوج این تحولات در دهه ۱۹۹۰ و در پرتو فضای بین‌المللی مساعد پس از جنگ سرد حاصل شد. در این دوره بود که شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد در قالب قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ محدوده مقام مشورتی ماده ۷۱ منشور ملل متحد راجع به سازمان‌های غیردولتی را تبیین و توسعه داد و در سطح شورای اروپا نیز مقام مشورتی سازمان‌های غیردولتی به مقام مشارکتی تبدیل شد.^{۱۹} با وجود این، به دلیل برخی نقایص در ساختار و عملکرد و مهم‌تر از همه، مواضع

۱۲. کامل نواب و قاسمی، همان، ۵۳۳.

۱۳. ESC Res. 288 B(x), 27 February 1950.

۱۴. ESC Res.1296 (XLIV), 23 May 1968.

۱۵. ESC Res.1996/31, 25 July 1996.

۱۶. European Convention on the Recognition of the Legal Personality of International NGOs, 1986, Art. 1.

۱۷. CP/Res. 759 (1217/99), Guidelines for Participation by Civil Organization in OAS Activities, 15 December 1999.

۱۸. ضیائی و پژومان، همان، ۲۶۵.

۱۹. منشور در ماده ۷۱ مقرر کرده: «شورای اقتصادی و اجتماعی در حدود صلاحیت خود می‌تواند تدابیر مناسبی جهت مشورت با سازمان‌های غیردولتی اتخاذ نماید». قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی را قادر می‌سازد تا به منظور استفاده از

دولت‌ها در تمسک به حفظ حاکمیت خود، شناسایی این سازمان‌ها به‌عنوان شخصیت حقوقی بین‌المللی در حد تابعان حقوق بین‌الملل، همچنان با چالش‌هایی مواجه است.^{۲۰} ازجمله موضوع‌های مهم و نسبتاً جدید مرتبط با فعالیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، مسئله مصونیت این سازمان‌ها است که در سال‌های اخیر در دکترین مطرح شده و مرتبط با برخی ضرورت‌های عملی و کارکردی نیز تلقی شده است. این مسئله به عقیده برخی حقوق‌دانان، با توجه به گستره فعالیت و ضرورت و اهمیت جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در چشم‌انداز آینده منجر به بروز تحولاتی در رویه بین‌المللی خواهد شد.

۳. مصونیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در رویه دولت‌ها

مسئله اعطای مصونیت به سازمان‌های بین‌المللی دولتی با توجه به قدمت و کارکرد برخی از این سازمان‌ها، امر پذیرفته‌شده‌ای است، چرا که اقدام‌ها و فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی اصولاً در قلمروی صورت می‌پذیرد که تحت سیطره حاکمیت ملی قرار دارد. از این رو همواره این نگرانی وجود داشته است که در کشور محل استقرار یا فعالیت سازمان، نهادهای عمومی یا اشخاص خصوصی به انحای مختلف، متعرض سازمان و مانعی برای اقدام آن شوند.^{۲۱} بر این اساس، اعطای مزایا و مصونیت‌ها به سازمان‌های بین‌المللی، سپری حمایتی در قبال مداخله

مشاوره‌های تخصصی و طرح عناصر مهم افکار عمومی در سازمان ملل، به سازمان‌های غیردولتی «مقام مشورتی» اعطا کند. البته امروزه سطح روابط میان سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی به روابط خاص اکوسوک و این سازمان‌ها محدود نمی‌شود، بلکه شبکه گسترده‌ای از سازمان‌های غیردولتی با قسمت‌های مختلف سازمان ملل متحد و کارگزاری‌های وابسته به آن در ارتباط هستند. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد طبق قطعنامه مذکور، این سازمان‌ها را به سه دسته طبقه‌بندی می‌کند: (۱) سازمان‌های دارای مقام مشورتی عام؛ (۲) سازمان‌های دارای مقام مشورتی خاص و (۳) گروه راستر. برای مطالعه بیشتر، ن. ک: عسکری، همان، ۳۴۴؛ نگار منجم‌ناصراسلامی و احمد مؤمنی‌راد، «سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و نقش آن‌ها در حقوق بشر: مطالعه موردی دیده‌بان حقوق بشر»، فصلنامه علمی پژوهشی *تعالی حقوق* ۲ (۱۳۹۸): ۱۵۱-۱۵۳.

۲۰. قاسمی و تسخیری، همان، ۲۳۸.

۲۱. در دکترین اخیر، مباحث حقوقی دیگر نیز مرتبط با سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی مطرح شده است، ازجمله بحث مشروعیت این نهادها، به نحوی که به عقیده برخی حقوق‌دانان از دهه ۱۹۹۰ داده‌های بیشتری در مورد اقدامات سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در دسترس قرار گرفته است که نشان می‌دهد سازمان‌های غیردولتی در چارچوب مأموریت‌های اعطایی، برخی انتظارات مدنظر را برآورده نمی‌کنند، در فعالیت‌های خود گزینشی عمل می‌کنند و در مواردی، دچار سوءمدیریت، عدم پاسخگویی و عدم شفافیت هستند. بسیاری از محققان استدلال می‌کنند که افزایش شفافیت و سازوکارهای پاسخگویی سخت‌تر برای حفظ یا ارتقای مشروعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی ضروری است. برخی، از تنش‌های ذاتی و فزاینده بین چهار منبع مشروعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی سخن گفته‌اند که عبارت‌اند از: مشروعیت هنجاری، نظارتی، شناختی و خروجی. این سؤال مطرح می‌شود که آیا دستیابی هم‌زمان به هر چهار منبع مشروعیت امکان‌پذیر است؟ سازمان‌های غیردولتی برای پیشبرد حقوق بشر، حفاظت از محیط‌زیست یا سایر کالاهای عمومی به ادعاهای هنجاری و شناخت فکری نیاز دارند. برای مطالعه بیشتر، ن. ک: Ossewaarde, Nijhof & Heyse, *op. cit.*, pp. 43-47.

مقامات و مراجع ملی ایجاد می‌کند و مانع طرح مسئولیت آن‌ها نزد دادگاه‌های داخلی می‌شود. علی‌رغم این ملاحظه، همواره در نظام حقوق بین‌الملل معاصر اهتمام شده است تا میان مسئولیت و مصونیت سازمان موازنه‌ای پدید آید که در بستر آن منافع ملی دولت ذی‌ربط و نیز منافع بین‌المللی سازمان تضمین شود.^{۲۲} اما مسئله در مورد سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی تا حدود زیادی متفاوت است چرا که امروز از میان صدها سازمان بین‌المللی غیردولتی، تنها پنج سازمان از مصونیت‌های اعطایی از طرف دولت‌ها برخوردارند. معمولاً دولت‌ها تمایل دارند به سازمان بین‌المللی غیردولتی، امتیازهایی خصوصاً امتیاز معافیت از مالیات اعطا کنند، در حالی که معدود دولت‌هایی برای سازمان‌های مذکور قائل به مصونیت هم هستند. شناخته‌شده‌ترین استثنا، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است که در کشورهای متعدد از مصونیت برخوردار است.^{۲۳} در کنار صلیب سرخ، چهار سازمان بین‌المللی غیردولتی دیگر نیز از مصونیت‌هایی مانند مصونیت از اعمال صلاحیت قضایی و مصونیت اجرایی برخوردارند که عبارت‌اند از: اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت،^{۲۴} صندوق جهانی مبارزه با ایدز، سل و مالاریا،^{۲۵} اتحادیه واکسن^{۲۶} و آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ.^{۲۷} به این ترتیب، سازمان‌های مذکور نه قابل تعقیب هستند و نه می‌توان اموال آن‌ها را توقیف کرد. با وجود این، رویه معمولی در مورد حمایت از کارکنان این سازمان‌ها وجود ندارد.^{۲۸} در ابتدا فقط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از مصونیت برخوردار بود. این امر عمدتاً بر مبنای اولویت تاریخی، دامنه بین‌المللی وظایف و اهمیت زیاد آن برای جامعه بین‌المللی که در کنوانسیون‌های ژنو ذکر شده و شخصیت حقوقی بین‌المللی عرفی آن توجیه شده است. از این رو برای مدت طولانی، موضوع مصونیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ محدود می‌شد. با این حال، در ۳۰ سال گذشته، وضعیت دستخوش تغییراتی شده است. در دهه ۱۹۹۰، زامبیا، کنیا و ایالات متحده به اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، سپس در ۲۰۰۴، سوئیس و ایالات متحده به صندوق جهانی مبارزه با ایدز، سل و مالاریا مصونیت اعطا کردند. در ۲۰۰۹ دوازده کشور، معاهده بین‌المللی مبنی بر اعطای مصونیت به این صندوق جهانی

۲۲. سیدقاسم زمانی، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، جلد ۱ (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۴۰۲)، ۲۷۵.

23. International Committee of the Red Cross, Status update: The ICRC's legal standing explained (Accessed on 12 March 2019) Available at: www.icrc.org/en/document/status-update-icrcs-le-gal-standing-explained

24. the International Union for Conservation of Nature (IUCN)

25. the Global Fund to Fight AIDS, Tuberculosis and Malaria

26. the Vaccine Alliance (Gavi)

27. the World Anti-Doping Agency (WADA)

28. Pavot, David and Laperle-Forget, Lolita, "The Emergence of Objective Guidelines for Granting Immunity to International Non-Governmental Organizations", *Chinese Journal of International Law* Vol. 20, Issue 1, 2021, p. 138.

را تصویب کردند.^{۲۹} همچنین در ۲۰۰۹ سوئیس و اتحادیهٔ واکسن، توافقنامه‌ای برای اعطای مصونیت به این سازمان منعقد کردند.^{۳۰} در ۲۰۱۸ مجلس ملی کبک کانادا، قانونی را تصویب کرد که به آژانس جهانی مبارزه با دویپنگ، مصونیت اعطا کرد.^{۳۱} با توجه به رویهٔ مضیق دولت‌ها در مورد اعطای مصونیت به سازمان‌های غیردولتی (برخلاف سازمان‌های بین‌المللی دولتی)، این سؤال مطرح می‌شود که چه توجیه حقوقی برای دولت‌ها وجود دارد که فقط به پنج سازمان غیردولتی بین‌المللی مصونیت اعطا کنند، در حالی که امروز سازمان‌های دیگری هم وجود دارند که به لحاظ کارکرد، به همان میزان برای جامعهٔ بین‌المللی دارای اهمیت هستند. اگرچه قابل انکار نیست که به‌طور کلی اعطای مصونیت، به اختیار و صلاحدید دولت‌ها واگذار شده است، حقوق بین‌الملل، رهنمودهایی را برای اعطای مصونیت به برخی تابعان فرعی مانند سازمان بین‌المللی غیردولتی ارائه می‌دهد که تبیین آن در ادامه خواهد آمد.

۴. مبانی مصونیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در دکترین

در مورد سازمان‌های بین‌المللی دولتی، مصونیت، حد فاصل دو بحث شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی و مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی از یک سو و انجام کارآمد وظایف و اشتغالات آن‌ها از سوی دیگر است.^{۳۲} فارغ از رویهٔ عملی دولت‌ها در اعطای مصونیت به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که محدود به مواردی انگشت‌شمار است، اخیراً مباحث مهمی در دکترین و تبیین مبانی آن از سوی برخی حقوق‌دانان مطرح شده است که با موضوع‌های مهمی مانند شناسایی شخصیت حقوقی بین‌المللی این سازمان‌ها و ضرورت کارکردی آن‌ها پیوند خورده است.

۴-۱. برخورداری از شخصیت حقوقی بین‌المللی

شخصیت حقوقی عبارت است از صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف. شخصیت حقوقی بین‌المللی نیز همان شخصیت حقوقی است که به موجب یا تحت نظام حقوق بین‌الملل به وجود می‌آید و به واسطهٔ آن، یک موجودیت، مستقیماً به موجب حقوق بین‌الملل، حقوق و تکالیفی را دارا و تابع حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. در نظام‌های حقوقی داخلی به علت وجود حاکمیت واحد دولت

29. Agreement on privileges and immunities of the Global Fund to Fight AIDS, Tuberculosis and Malaria (14 December 2009), UNTS No. 55785 (entered into force 17 April 2019), adopted and ratified by Eswatini, Ethiopia, Georgia, Liberia, Malawi, Moldova, Mozambique, Rwanda, Senegal, Togo, Uganda and Zimbabwe.

30. Agreement between the Swiss Federal Council and the GAVI Alliance to determine the legal status of the GAVI Alliance in Switzerland [translated by the authors], RO 2009 4567, art. 13 (a).

31. Pavot and Laperle-Forget, *op.cit.*, p. 139.

32. سیدعلی حسینی آزاد و مسعود احسن نژاد، «سوءاستفاده از مصونیت‌ها و مزایای سازمان‌های بین‌المللی: به دنبال راهکاری برای مقابله با آن»، *مجلهٔ پژوهش‌های حقوقی*، ۱۷، ۳۴ (۱۳۹۷): ۱۱۵.

در جامعه، اعطای شخصیت حقوقی به صورت کامل در دست دولت است، اما در حقوق بین‌الملل به علت نبود چنین مرجعی، روند کسب شخصیت حقوقی بسیار آهسته و مبهم است. به عبارت دیگر، برای کسب شخصیت حقوقی بین‌المللی نمی‌توان عناصر دقیقی را برشمرد. امروز بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در راستای گسترش فعالیت‌های خود و امکان نقش‌آفرینی مؤثرتر در عرصه‌های بین‌المللی به شدت به دنبال راهکارهای حقوقی جهت بهره‌مندی از شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند.^{۳۳}

الف. الگوبرداری از نظام حقوق سازمان‌های بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی ضمن برخورداری از شخصیت حقوقی است که توان برقراری تعهدات قراردادی و غیرقراردادی را کسب کرده، برخوردار از حقوق و تکالیف بین‌المللی شده‌اند.^{۳۴} یک رهیافت در مورد مصونیت سازمان‌های غیردولتی، ناظر به تشابه‌انگاری این سازمان‌ها با سازمان‌های بین‌المللی دولتی است. این رویکرد مبتنی بر وضعیت خاص کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است که به‌عنوان، یا حداقل معادل سازمان بین‌المللی دولتی، به صورت دوفاکتو یا دوژوره مورد شناسایی قرار گرفته است و مشابه سازمان‌های مذکور با آن رفتار می‌شود. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، مشابه سازمان بین‌المللی با بیش از ۹۰ دولت، موافقت‌نامه‌های دوجانبه شناسایی وضعیت حقوقی و اعطای مصونیت و مزایا منعقد کرده است. بسیاری از این موافقت‌نامه‌ها، مشتمل بر مقرراتی است که طبق آن، وضعیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نباید نازل‌تر از موقعیت سازمان‌های بین‌المللی انگاشته شود. در برخی از کشورها نیز به موجب اقدام‌های قانونی یا اجرایی، صلیب سرخ عیناً از مصونیت‌های اعطایی به سازمان‌های بین‌المللی برخوردار است. به‌طور نمونه می‌توان به قوانین فرانسه اشاره داشت که صلیب سرخ را مشمول قلمرو کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل متحد کرده است. همچنین مطابق اصلاحات قانون ایالات متحده آمریکا درباره مصونیت‌های سازمان‌های بین‌المللی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز به دلیل موقعیت خاص و استثنائی، مشمول این قانون شده است. رویه عمومی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بر این دلالت دارد که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به‌عنوان سازمان بین‌المللی و برخوردار از مصونیت‌های آن مورد شناسایی قرار گرفته است. نکته مهم آن که موقعیت منحصر به فرد این سازمان غیردولتی به‌عنوان سازمان بین‌المللی و مزایا و مصونیت‌های آن، در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز شناسایی شده است.^{۳۵}

۳۳. قاسمی و تسخیری، همان، ۲۱۸.

۳۴. حسینی آزاد و احسن‌نژاد، همان، ۱۱۵.

35. Debuf, Els, "Tools to do the job: The ICRC's legal status, privileges and immunities", *International Review of the Red Cross*, Vol. 97, 2016, pp. 327-329.

با وجود این، باید پذیرفت، ادبیاتی که رویکرد تشابه‌انگاری سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی با سازمان‌های بین‌المللی دولتی را به‌طور کلی تبیین و پشتیبانی می‌کند، بسیار محدود است و به نظر می‌رسد این رویکرد با موازین حقوقی مطابقت نداشته باشد. در واقع، اگرچه سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی شباهت‌هایی دارند، مانند انجام وظایف و مأموریت تأمین منافع بین‌المللی و استقلال از دولت‌ها، برخی از تفاوت‌های عمده را نمی‌توان نادیده گرفت. در واقع از آنجا که پنج سازمان بین‌المللی غیردولتی که امروز از مصونیت‌هایی بهره می‌برند، بر اساس قوانین سوئیس ایجاد شده‌اند و اساسنامه آن‌ها معاهده بین‌المللی نیست و عضویت‌شان منحصر به دولت‌ها نیست، ماهیت این سازمان‌ها به‌طور قابل‌توجهی با سازمان‌های بین‌المللی دولتی متمایز شده است.^{۳۶} بر اساس این تفاوت ماهوی و ساختاری، دولت‌ها با در نظر گرفتن آن‌ها به‌عنوان سازمان‌های بین‌المللی دولتی، برای آن‌ها شخصیت حقوقی بین‌المللی و مصونیت قائل نشده‌اند.^{۳۷} به نظر می‌رسد در مورد شناسایی شخصیت حقوقی برای این بازیگران بین‌المللی، فارغ از تشابه‌انگاری با سازمان‌های بین‌المللی، باید علل و عوامل دیگری را در رویه بین‌المللی کندوکاو کرد.

ب. شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در رویه بین‌المللی

امروزه سه رویکرد به شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی وجود دارد: نگاه منفی افراطی که انعکاسی از نظریه اثبات‌گرایانه است و در نظام دولت‌محور وستفالیایی ریشه دارد. این نگاه مدعی است الگوی مشخصی برای تعیین شخصیت حقوقی این سازمان‌ها وجود ندارد. نگاه دیگر، بینشی مثبت اما باز افراطی است که به پذیرش شخصیت بی‌قید و شرط این سازمان‌ها معتقد است. نگاه سوم، بینشی مثبت اما محتاطانه است. این رویکرد به برخورداری سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از شخصیت حقوقی در حدودی که حقوق بین‌الملل به آن اعطا کرده، معتقد است. بند ۲ ماده ۳۳ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها سال ۲۰۰۱ بیان می‌دارد آن قسمت از موادی که به مسئولیت دولت‌ها می‌پردازد، «به تکالیف دیگری که ممکن است دولت‌ها در قبال هر شخص یا نهادی غیر از دولت داشته باشند، لطمه‌ای وارد نمی‌کند». این مقررده دلالت دارد که ممکن است سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از حقوقی در قبال کشورها برخوردار باشند. حقوق بین‌الملل شاهد موارد بسیاری است که به این سازمان‌های حقوقی اعطا شده است. در برخی مراجع قضایی و شبه‌قضایی حق دادخواهی توسط سازمان‌های غیردولتی (ملی یا بین‌المللی) به رسمیت شناخته شده است. از جمله در دیوان اروپایی حقوق بشر، کمیسیون امریکایی حقوق بشر، کمیسیون افریقایی حقوق بشر و مردم، دیوان افریقایی و تا حدودی دیوان دادگستری اروپایی،

36. Chamovitz, Steve, "Non-governmental Organizations and International Law", *The American Journal of International Law*, Vol. 100, No. 2, 2006, p. 386.

37. Pavot and Laperle-Forget, *op.cit.*, p. 140.

حق رجوع مستقیم برای طرح شکایت به این سازمان‌ها در مواردی که قربانی مستقیم نقض حقوق بشر قرار گرفته باشند، اعطا شده است. از میان این مراجع، دیوان افریقایی حقوق بشر و مردم، علاوه بر این حق، طرح دعوا از طرف منافع عمومی را نیز به این سازمان‌ها داده است. در کنار این حق مستقیم، سازمان‌های غیردولتی، حق رجوع غیرمستقیم به برخی مراجع را تحت عنوان «دوست دادگاه» دارند.^{۳۸}

به عقیده برخی حقوق‌دانان معاصر، شخصیت حقوقی، یکی از موضوع‌هایی است که باید برای سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که امروزه از جایگاه ویژه‌ای در محافل حقوق بشری برخوردارند، در نظر گرفت تا بتوان به موجب آن برای این دسته از سازمان‌ها به‌عنوان موجودیت مستقل، حقوق و تکالیفی را قائل شد که به سبب این حقوق و تکالیف، صاحب امتیازات و صلاحیت‌هایی می‌شوند که در صورت بروز نقض هرگونه حقوق تعیین‌شده در مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر یا سایر اسناد حقوق بشری، از این امتیازات بهره‌جسته و با استناد به آن‌ها در حیطه سند تأسیس و اساسنامه هر یک از این سازمان‌ها بتوانند به طرح دعاوی و شکایات حقوق بشری مبادرت کنند. از این رو بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در راستای گسترش فعالیت‌های خود به گستره‌ای عظیم‌تر و امکان نقش‌آفرینی بهتر در عرصه‌های بین‌المللی برای دفاع از عدم نقض‌های حقوق بشری، به‌شدت به دنبال راهکارهای حقوقی بهره‌مندی از شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند.^{۳۹} در این رابطه، مفاد کنوانسیون استراسبورگ (مصوب ۱۹۸۶) از اهمیت بالایی برخوردار است. در مقدمه این سند ضمن اشاره به اهمیت نقش سازمان‌های غیردولتی در نیل به اهداف منشور سازمان ملل و شورای اروپایی، هدف از اجرای سند، تسهیل فعالیت

۳۸. نهاد دوست دادگاه، شکلی از مداخله در دادرسی است که نه به‌عنوان ثالث یا کارشناس، بلکه برای حمایت از منافع جمعیت مورد حمایت (و نه منافع خود سازمان) در دادگاه شرکت می‌کند. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا و دیوان بین‌المللی کیفری این حق را به سازمان‌های غیردولتی داده‌اند. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: ضیائی و پژومان، همان، ۲۷۸-۲۷۹.

۳۹. دولت‌ها می‌توانند برای سازمان‌های غیردولتی در عرصه یا حیطه جهانی، شخصیت حقوقی قائل شوند. برای مثال، همان‌طور که دولت می‌تواند به سازمان‌های غیردولتی، قدرت پیگیری و حتی اجبار خودش را در زمینه‌های زیست‌محیطی و اجرای تعهدات بین‌المللی زیست‌محیطی بدهد، دولت‌های مختلف هم می‌توانند چنین قدرتی را برای سازمان‌های غیردولتی ایجاد کنند. این محدوده می‌تواند یک «معیار موضوعی» داشته باشد یا اینکه بر اساس «قلمرو جغرافیایی» تعیین شود. در این شیوه، سازمان‌های غیردولتی، صلاحیت و قدرت قرارگرفتن در مقابل دولت‌ها را می‌یابند و به علت واگذاری این حقوق و تکالیف، مستقیماً تحت نظام حقوق بین‌الملل، نوعی شخصیت حقوقی بین‌المللی برای آن‌ها نیز اعتبار می‌شود. برای مثال، یوروفیما توسط ۵۰ کشور در ۱۹۹۵ در زمینه ریل‌سازی و راه‌آهن تأسیس و برای آن نوعی شخصیت حقوقی بین‌المللی ایجاد شد. اگرچه یوروفیما یک شرکت تجاری به حساب می‌آید، شیوه اعتبار شخصیت حقوقی بین‌المللی برای آن، قابل تسری به سازمان‌های غیردولتی نیز هست. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: مفخم ناصر اسلامی و مؤمنی‌راد، همان، ۱۵۶-۱۵۸.

سازمان‌های غیردولتی در سطح اروپا عنوان شده است.^{۴۰} بر این اساس، سازمان‌های غیردولتی که در قلمرو یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون به صورت قانونی ثبت شده و دارای مرکز اصلی هستند، در صورت تمایل به گسترش فعالیت‌هایشان به قلمرو سایر دولت‌های عضو، از شخصیت حقوقی لازم برخوردار خواهند بود. در واقع، این کنوانسیون برای تسهیل فعالیت این سازمان‌ها در قلمرو کشورهای مختلف با قوانین داخلی گوناگون، شخصیت حقوقی را به همان ترتیبی که در کشور محل تأسیس این سازمان‌ها برایشان در نظر گرفته شده، در قلمرو دیگر کشورها نیز به رسمیت می‌شناسد. از همین رو به نظر می‌رسد این کنوانسیون نیز از شناسایی شخصیت حقوقی بین‌المللی کامل و مستقل برای این سازمان‌ها بازمانده و در نهایت آن‌ها را به قوانین دولت محل تأسیس خود محدود کرده است. در نتیجه از نظر حقوقی، سازمان‌های غیردولتی از شخصیت حقوقی بین‌المللی برخوردار نبوده و همچنان به قوانین ملی کشورها وابسته‌اند.^{۴۱}

یکی از اقدام‌ها در رویه بین‌المللی، اهتمام برای ارائه برخی ملاک‌ها و معیارها جهت ارزیابی شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی است. از محورهای مرتبط با توانایی عملکردی سازمان‌های غیردولتی می‌توان به مواردی مانند مقام مشورتی اشاره داشت.^{۴۲} مشارکت در تصمیم‌سازی‌های بین‌المللی، یکی دیگر از شاخصه‌های شخصیت حقوقی بین‌المللی است. در حال حاضر سازمان‌های غیردولتی در دو بُعد رسمی و غیررسمی بر تصمیم‌های بین‌المللی اثر می‌گذارند که یقیناً نقش آن‌ها در ابعاد غیررسمی با قوت بیشتری پیگیری می‌شود. گاهی سازمان‌های غیردولتی اقدام به ایجاد برخی پویش‌ها و فراخوان‌های بین‌المللی می‌کنند که در مواردی منجر به تشکیل کنفرانس‌های بین‌المللی (برای تصویب معاهدات و اسناد لازم‌الاجرا) می‌شود.^{۴۳} همچنین ممکن است پس از تصویب معاهدات نیز مجموعه‌ای از وظایف ناشی از اسناد بین‌المللی به این سازمان‌ها سپرده شود. برای مثال، اطلاعات لازم برای نظارت بر تجارت

۴۰. قاسمی و تسخیری، همان، ۲۳۲.

۴۱. عسکری و سعیدی، همان، ۳۳-۳۴.

۴۲. مقام مشورتی به معنای مشارکت فعال در ساخت قواعد بین‌المللی از طریق داشتن حق رأی و مانند آن نیست اما اعطای مقام مشورتی به سازمان‌های غیردولتی به منزله شناخت و ایجاد اعتبار بین‌المللی محدود برای آن‌ها محسوب می‌شود چرا که سازوکار مقام مشورتی در ارکان ملل متحد، نوعی تأثیرگذاری غیرمستقیم از طریق گفتگو و لابی‌کردن این سازمان‌ها با نمایندگان دولت‌ها در ارکان ملل متحد است. ن.ک: قاسمی و تسخیری، همان، ۲۲۰.

۴۳. به‌عنوان مثال، می‌توان به کنوانسیون اتاوا در مورد منع مین‌های ضد نفر اشاره کرد. برگزاری کنفرانس اتاوا به وسیله بخش‌های غیردولتی صورت گرفت و در این کنفرانس، سازمان‌های غیردولتی همسان با دولت‌ها در مذاکرات به‌ویژه در تشریح مسئله دخالت داشتند. در جریان کنفرانس رم (اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری) تعداد زیادی از سازمان‌های غیردولتی فعالانه حضور داشتند و اصل توجه به لزوم وجود یک دیوان کیفری بین‌المللی، ناشی از تلاش‌های همین سازمان‌ها بود.

گونه‌های هدف در معاهده سایتس^{۴۴} توسط یک سازمان غیردولتی مستقر در لندن به نام «واحد نظارت بر تجارت [گونه‌های] حیات وحش» تهیه می‌شود. سایر سازمان‌های غیردولتی نیز از طریق ارسال گزارش به این سازمان در فرآیند نظارت بر معاهده سایتس همکاری می‌کنند. میانجیگری میان طرف‌های درگیر در منازعات داخلی و بین‌المللی از دیگر اقدام‌های برخی سازمان‌های غیردولتی مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و پزشکان بدون مرز است که علاوه بر یافتن فرصت برای ملاقات افراد بازداشت‌شده یا زندانی، در ارائه راه‌حل برای پایان دادن به منازعات نیز نقش قابل توجهی را ایفا می‌کنند. قدرت بسیج افکار عمومی و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی از دیگر اقدام‌ها و از نمونه‌های توانایی عملکردی سازمان‌های غیردولتی است.^{۴۵}

همان‌طور که منابع اصلی حقوق بین‌الملل یعنی معاهده و عرف از شناسایی شخصیت حقوق بین‌المللی برای این سازمان‌ها بازمانده‌اند، نویسندگان حقوق بین‌الملل نیز یافتن مبنایی برای اعطای شخصیت حقوقی بین‌المللی به این سازمان‌ها را دشوار دانسته‌اند. اگرچه اکثر نویسندگان معتقدند این سازمان‌ها فاقد شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند، تعدادی از نویسندگان، شخصیت حقوقی بین‌المللی این سازمان‌ها را به صورتی محدود پذیرفته‌اند. برخی همچون /وینهایم معتقدند تابعان حقوق بین‌الملل همگی از اختیارات و تکالیف یکسانی برخوردار نیستند، بلکه برخی اشخاص بین‌المللی دارای حقوق و تکالیف محدود در مقایسه با دولت‌ها بوده و در نتیجه می‌توانند در زمینه محدود، تابع حقوق بین‌الملل باشند و از شخصیت حقوقی بین‌المللی محدود برخوردار شوند. برخی نیز معتقدند از آنجا که اشخاص بین‌المللی، ماهیت، عملکرد و اهداف یکسانی ندارند و تابع ترتیبات حقوقی واحدی نیستند، حقوق و تکالیف آن‌ها متفاوت است و به همین دلیل هریک از این بازیگران بین‌المللی واجد اهلیتی هستند که به نقش و وظیفه‌ای که در نظام حقوقی ایفا می‌کنند، محدود است.^{۴۶}

ج. تفکیک میان شخصیت حقوقی داخلی و بین‌المللی

همان‌طور که شخصیت حقوقی بین‌المللی و مصونیت‌های سازمان‌های بین‌المللی ملازم هم هستند، تلاش برای توجیه مصونیت سازمان‌های غیردولتی از طریق وجود یک شخصیت حقوقی بین‌المللی ضمنی، اهتمام برخی حقوق‌دانان بوده است. برای مثال، می‌توان وضعیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را در نظر گرفت که با اطمینان بیشتری نسبت به سایرین از چنین شخصیتی برخوردار است.^{۴۷} موقعیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به‌عنوان سازمان بین‌المللی با مأموریت کمک و حمایت از

44. CITES: the Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora (entered into force on 1 July 1975).

۴۵. قاسمی و تسخیری، همان، ۲۲۰-۲۲۳.

۴۶. عسکری و سعیدی، همان، ۳۳-۳۴.

47. Pavot and Laperle-Forget, *op.cit.*, p. 143.

قربانیان مخاصمات مسلحانه و دیگر وضعیت‌های بحرانی، هم در نظم حقوقی بین‌المللی و هم در نظم حقوقی داخلی کشورها پذیرفته شده است. از آنجا که این دو نظم حقوقی متمایز هستند، می‌توان بین شخصیت حقوقی و امتیازات و مصونیت‌هایی که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سطح بین‌المللی از آن برخوردار است و شخصیت حقوقی و امتیازات و مصونیت‌هایی که در داخل از آن برخوردار است، تفکیک و تمایز قائل شد. شخصیت حقوقی بین‌المللی به‌طور کلی می‌تواند بر اساس سه معیار ارزیابی شود که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ همه آن‌ها را داراست:

(۱) ظرفیت انعقاد معاهدات (صلیب سرخ موافقت‌نامه‌های دوجانبه‌ای را که طبیعتاً معاهدات بین‌المللی هستند، با بیش از نود دولت منعقد کرده است)؛ (۲) ظرفیت ورود به روابط دیپلماتیک (صلیب سرخ به منظور اجرای مأموریت خود، همواره درگیر روابط دوجانبه مطابق با روابط دیپلماتیک رسمی با کشورها بوده است. علاوه بر این، وضعیت ناظر در سازمان ملل متحد و تقریباً سی سازمان بین‌دولتی و منطقه‌ای دیگر به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اجازه می‌دهد تا به‌طور کامل در دیپلماسی چندجانبه شرکت کند؛ و (۳) توانایی انجام امور خود در نظم حقوقی بین‌الملل به نحوی که نیازی به مداخله هیچ کشوری برای اجرای مأموریت یا اعمال حقوق خود نداشته باشد.^{۴۸} در این رابطه، رأی دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه برای یوگسلاوی سابق در قضیه سیمیک از اهمیت بالایی برخوردار است که تصریح کرد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نقشی محوری در رژیم‌ها دارد که توسط کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های آن‌ها ایجاد شده است. این نقش، منحصر به فرد است. اسناد مذکور باید در پرتو هدف و مقصود اساسی‌شان تفسیر شوند. به همین دلیل، تفسیر باید به گونه‌ای باشد که به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اختیارات و ابزار لازم را برای اجرای مؤثر مأموریت خود بدهد. بنابراین، شعبه دادگاه احراز کرد که طرف‌های کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های آن‌ها متعهد هستند که عدم افشای اطلاعات مربوط به کار کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را در جریان رسیدگی قضایی، تضمین کنند و برعکس، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ این حق را دارد که بر عدم افشای اطلاعات مذکور توسط طرفین کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌ها پافشاری کند. در آن رابطه، طرفین باید اصول بنیادینی را که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر اساس آن عمل می‌کند، یعنی بی‌طرفی و محرمانه‌بودن را

^{۴۸}. به‌طور مثال، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مستقیماً با دولت‌ها مداخله می‌کند تا اطمینان حاصل کند که آن‌ها به تعهدات خود بر اساس کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها احترام می‌گذارند. موافقت‌نامه‌های وضعیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سازکارهای حل‌وفصل اختلافات مستقیم و دوجانبه، معمولاً مذاکره و داوری را در صورت بروز اختلاف بین دولت میزبان و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ فراهم می‌کنند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مستقیماً در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق مداخله کرد تا حق خود را بر اساس قوانین بین‌المللی مبنی بر عدم افشای اطلاعات محرمانه مطالبه کند. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

پذیرند چرا که برای اجرای مؤثر وظایف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضروری است.^{۴۹} بنابراین، به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی بین‌المللی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سراسر جهان، ریشه در پذیرش عرفی موقعیت حقوقی آن دارد.^{۵۰} با وجود این، برخی حقوق‌دانان در مورد شخصیت حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، با توجه به اینکه یک سازمان بین‌المللی تأسیس شده توسط دولت‌ها نیست، ابراز نگرانی کرده‌اند. در مواجهه با نهاد اساساً خصوصی، که با وجود این، نقش مهمی در درگیری‌های مسلحانه ایفا می‌کند و مسئولیت‌های خاصی در معاهدات بین‌المللی به عهده دارد، دکتربین حقوقی اگرچه در ابتدا با شک و تردید بود، صلیب سرخ را به‌عنوان شخص بین‌المللی در نظر گرفت. رویه عملی دولت‌ها نشان می‌دهد که برای رسیدن به این نتیجه، شناسایی ضمنی شخصیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مهم بوده است. بنابراین بحث در دکتربین حقوقی این است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دارای شخصیت بین‌المللی است زیرا دولت‌ها به‌طور ضمنی آن را به‌عنوان شخص بین‌المللی به رسمیت شناخته‌اند. بر این اساس، طبق رویه دولت‌ها، برخی آثار برخورداری از شخصیت حقوقی بین‌المللی در مورد صلیب سرخ ملحوظ است: موافقت‌نامه‌های منعقدشده توسط صلیب سرخ، مشابه معاهدات بین‌المللی است و صلیب سرخ با کشورها روابط دیپلماتیک برقرار می‌کند.^{۵۱}

علی‌رغم رویه فوق، وجود برخی محدودیت‌ها برای صلیب سرخ قابل انکار نیست، از جمله اینکه سابقه محدودی برای اهلیت این سازمان جهت دادخواهی و مطالبه حقوق در مراجع بین‌المللی وجود دارد. در واقع، به‌جز موقعیت خاص کمیته صلیب سرخ، برای سایر سازمان‌های غیردولتی فقط شاید بتوان با اعطای ظرفیت‌های خاص، شخصیت حقوقی بین‌المللی ضمنی را استنباط کرد.^{۵۲} با این حال، برخلاف صلیب سرخ، دیگر سازمان‌های غیردولتی لزوماً از چنین ظرفیت‌هایی مشابه ویژگی‌های شخصیت حقوقی بین‌المللی برخوردار نیستند. در واقع، رایج‌ترین ظرفیت‌هایی که برای سازمان‌های غیردولتی تصور می‌شود، عبارت‌اند از: انعقاد قرارداد، تملک و واگذاری اموال و اقامه دعوی حقوقی. با این حال، دولت‌ها ظرفیت سازمان‌های غیردولتی را

^{۴۹} تصویب کنوانسیون‌های ژنو توسط ۱۸۸ کشور را می‌توان منعکس‌کننده نظرات حقوقی این دولت‌های عضو دانست که علاوه بر رویه عمومی دولت‌ها در رابطه با صلیب سرخ، باعث می‌شود دادگاه به این نتیجه برسد که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، طبق حقوق بین‌الملل عرفی حق دارد اطلاعات مربوط به فعالیت‌هایش افشا نشود. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: ICTY, Prosecutor v. Simić et al., Case No. IT-95-9, Decision on the Prosecution Motion under Rule 73 for a Ruling Concerning the Testimony of a Witness, 27 July 1999, paras. 72-74.

^{۵۰} Debuf, *op.cit.*, p. 330.

^{۵۱} Rona, Gabor, "The ICRC's privilege not to testify: Confidentiality in action. An explanatory memorandum", *International Review of the Red Cross*, Vol. 84, 2002, Published online by Cambridge University Press, 19 April 2010, pp. 207-210.

^{۵۲} Ben-Ari, Rephael Harel, *The Normative Position of International Non-Governmental Organizations under International Law*, Martinus Nijhoff Publishers, 2012, p. 98.

برای انعقاد معاهدات بین‌المللی یا طرح دعاوی بین‌المللی به رسمیت نمی‌شناسند.^{۵۳} علاوه بر این، اگرچه برخی از آن‌ها روابط دیپلماتیک ناشی از نمایندگی خود در خارج از کشور و رفتار با کارکنانشان را حفظ می‌کنند، هیچ‌گونه مشابهتی از یک سازمان به سازمان دیگر وجود ندارد. از این رو سازمان‌های غیردولتی که تابع حقوق بین‌الملل نیستند، تنها دارای ظرفیت‌های داخلی هستند که به صراحت توسط دولت‌ها از طریق قوانین داخلی یا موافقت‌نامه مقامات رسمی، یا از طریق معاهده بین‌المللی اعطا شده است.^{۵۴} علاوه بر این، با توجه به ترکیبی بودن عضویت این سازمان‌ها که متشکل از بازیگران عمومی و خصوصی است، توجیه به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی بین‌المللی برای آن‌ها با موانع و دشواری‌هایی همراه خواهد بود. برخی حقوق دانان اظهار کرده‌اند که: «وضعیت حقوقی بازیگران دولتی - خصوصی تحت قوانین بین‌المللی نامشخص است. نهادهای عمومی، یعنی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بر اساس حقوق بین‌الملل دارای شخصیت حقوقی هستند و این مفهوم شامل نهادهای خصوصی، مانند شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، مؤسسات تحقیقاتی و بنیادهای بشردوستانه نمی‌شود تا آن‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل دارای شخصیت حقوقی باشند».^{۵۵} به این ترتیب، ترکیب مختلط سازمان‌های غیردولتی نشان‌دهنده عدم تمایل و اراده دولت‌ها برای در نظر گرفتن این نهادها به‌عنوان موضوع حقوق بین‌الملل عمومی با شخصیت حقوقی بین‌المللی است، یا حداقل اینکه این قصد هنوز توسط دولت‌ها ابراز نشده است. نکته مهم دیگر آنکه امروز بین شخصیت حقوقی بین‌المللی و شخصیت حقوقی داخلی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی تفکیک قائل شده‌اند که مورد دوم با حقوق بین‌الملل عمومی ارتباطی ندارد. در رابطه با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، در اکثر کشورهایی که این سازمان در آن‌ها از امتیازات و مصونیت‌ها برخوردار است، توافق‌نامه دوجانبه^{۵۶} بین صلیب سرخ و کشور میزبان منعقد شده است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بیش از ۹۰ موافقت‌نامه از این قبیل منعقد کرده است که اکثر آن‌ها با کشورهایی است که صلیب سرخ در آن‌ها حضور دائمی دارد یا در آن‌ها فعال است. مفاد چنین موافقت‌نامه‌هایی تا حد زیادی منعکس‌کننده مفاد کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک و کنوانسیون امتیازات و مصونیت‌های سازمان ملل متحد است.^{۵۷}

53. Clarke, Lisa, *Responsibility, of hybrid public-private bodies under international law: A case study of global health public-private partnerships*, Abingdon: Routledge, 2014, pp. 59-60.

54. Pavot and Laperle-Forget, *op.cit.*, 145-146.

55. Clarke, Lisa, "Responsibility of International Organizations under International Law for the Acts of Global Health Public-Private Partnerships", *Chicago Journal of International Law*, vol. 12. no. 1, 2011, p. 68.

56. Bilateral agreement

57. در هشت کشور، به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر اساس قوانین داخلی که امتیازات و مصونیت‌های سازمان‌های بین‌المللی را ایجاد می‌کند، امتیازات و مصونیت‌هایی اعطا شده است که دامنه کاربرد آن به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ گسترش یافته

به این ترتیب، همچنان این ایده در نظام حقوق بین‌الملل معاصر مورد پذیرش است که شخصیت حقوقی، عاملی کلیدی در تعیین حقوق و مصونیت‌های سازمان غیردولتی و جایگاه آن در برابر دادگاه‌ها است. به‌طور کلی سازمان غیردولتی فقط در حقوق داخلی و نه در حقوق بین‌الملل از شخصیت حقوقی برخوردار است. در مجموع، احراز مصونیت برای سازمان‌های غیردولتی بر اساس به‌رسمیت‌شناختن شخصیت حقوقی بین‌المللی قابل پذیرش نیست زیرا به‌جز کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و معدود سازمان‌های دیگر، سایرین از هیچ‌گونه مصونیتی برخوردار نیستند.^{۵۸} حتی فراتر از آن برخی حقوق‌دانان بر این باورند که با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته تا کنون، بحث شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی به جایی نرسیده و این فقط همان تابعان سنتی حقوق بین‌الملل یعنی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی هستند که از شخصیت حقوقی بین‌المللی برخوردارند.^{۵۹}

۲-۴. نظریه کارکردگرایی^{۶۰} یا ضرورت کارکردی

سازمان‌های بین‌المللی برخلاف دولت‌ها فاقد عناصر سازنده‌ای چون سرزمین، جمعیت و حکومت هستند. فقدان عناصر مزبور باعث کنارگذاشته‌شدن نظریه‌های کلاسیک مصونیت‌ها و مزایا در مورد سازمان‌های بین‌المللی شده است. شاید بر اساس همین اختلاف ماهیتی بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است که از ادبیات «داشتن» مصونیت برای دولت، در برابر «اعطای» مصونیت به سازمان‌های بین‌المللی استفاده می‌شود؛ همچنین لزوم حفظ استقلال و انجام هرچه بهتر و بی‌طرفانه کارکردهای سازمان‌ها مستلزم یافتن مبنایی مناسب برای مصونیت‌ها و مزایای آن‌ها شده است. نظریه «ضرورت کارکردی» به‌عنوان مبنایی برای مصونیت‌ها و مزایای سازمان‌های بین‌المللی، نسبت به نظریه‌های دیگر با این دسته از اعضای جامعه بین‌المللی سازگاری بیشتری داشته است.^{۶۱} نظریه کارکردگرایی یا ضرورت کارکردی، اعطای مصونیت به نهادهایی را توجیه می‌کند که وظایف و مأموریت آن‌ها ذیل منافع بین‌المللی توجیه می‌شود. از این رو مصونیت‌ها استقلال نهاد بین‌المللی را تضمین می‌کند تا سازمان بتواند به ایفای وظایف و مأموریت خود در

است. از آنجا که چنین قوانین داخلی معمولاً قوانین اجرای کنوانسیون امتیازات و مصونیت‌های سازمان ملل متحد است، به‌طور کلی منعکس‌کننده امتیازات و مصونیت‌های تعیین‌شده در آن کنوانسیون است. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Debuf, *op.cit.*, pp. 331-332.

58. Pavot and Laperle-Forget, *op.cit.*, pp.144-147.

59. عسکری و سعیدی، همان، ۳۳-۳۴.

60. the Theory of Functionalism

61. حسینی آزاد و احسن‌نژاد، همان، ۱۱۶-۱۱۷.

جهت تأمین منافع عمومی بپردازد.^{۶۲} بر اساس این نظریه می‌توان نتیجه گرفت که مصونیت‌های اعطاشده به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، صندوق جهانی مبارزه با ایدز، سل و مالاریا، اتحادیه واکسن و آژانس جهانی مبارزه با دویپنگ با این واقعیت توجیه می‌شود که همه آن‌ها مأموریت بزرگی مرتبط با منافع بین‌المللی را انجام می‌دهند. با این حال، همیشه تشخیص منافع عمومی از منفعت خاص یا منفعت عمومی از منفعت متقابل آسان نیست. نظریه ضرورت کارکردی به‌عنوان رهیافت مقبول‌تری برای توجیه مصونیت سازمان‌های غیردولتی مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد عینی جدید منتج به این خواهد شد که دولت‌ها فقط به آن دسته از سازمان‌های غیردولتی مصونیت اعطا کنند که دو معیار ذیل را دارا باشند: اول، مأموریت مرتبط با منافع عمومی آن‌ها در یک سند حقوق بین‌الملل عمومی به رسمیت شناخته شده باشد، و دوم، همکاری بازیگران دولتی و خصوصی در اداره یا تأمین مالی آن‌ها است که البته این امر در مورد محدود سازمان‌های غیردولتی قابل استناد است و طبق تعریف، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی متشکل از اشخاص غیردولتی هستند.^{۶۳} توجه به این نکته مهم است که عضویت مقامات دولتی در سازمان غیردولتی به هیچ وجه ماهیت خصوصی و غیردولتی آن سازمان غیردولتی را تغییر نمی‌دهد. هم‌اکنون برخی سازمان‌های غیردولتی از بسیاری مقامات دولتی عضوگیری می‌کنند که اینترپل یکی از بارزترین مصادیق آن است. شخصیت حقوقی بین‌المللی از رابطه و همکاری میان کنش‌گران عرصه بین‌المللی حاصل می‌شود؛ لذا همان‌طور که عضویت یک دولت جدید در سازمان بین‌المللی میان‌دولتی موجب تسهیل در رسمیت‌یابی آن دولت می‌شود، عضویت مقامات چند دولت در سازمان غیردولتی نیز نوعی اطمینان در مورد عملکرد، صحت و سلامت آن سازمان ایجاد می‌کند.^{۶۴} نظریه کارکردگرایی در ابتدا برای توجیه ظرفیت‌ها و مصونیت‌های سازمان‌های بین‌المللی بر اساس کارکردهایی که برای دستیابی به مأموریت آن‌ها ضروری است، توسعه یافت. منطبق پشت این نظریه، اهمیت انجام وظایف آن‌ها برای جامعه بین‌المللی است که «خدمات عمومی» یا «مأموریت منافع بین‌المللی» نامیده می‌شود.^{۶۵}

62. Klabbers, Jan, "The EJIL Foreword: The Transformation of International Organizations Law", *European Journal of International Law*, Vol. 26, Issue 1, February 2015, pp. 10-16.

۶۳. از جمله سازمان‌هایی که صرفاً از اعضای با ماهیت خصوصی تشکیل نیافته‌اند، می‌توان به اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت از طبیعت با اعضای متنوع اشاره داشت. همچنین کمک‌های مالی از سوی دولت‌ها و سازمان‌های دولتی، ماهیت خصوصی بودن این سازمان‌ها را تغییر نمی‌دهند. به‌طور نمونه، سهم زیادی از بودجه سازمان بی‌طرفی مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از سوی کشورها تأمین می‌شود. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: ضیائی و پژومان، همان، ۲۷۵-۲۷۶. البته در مورد مشارکت اشخاص عمومی در سازمان‌های غیردولتی، این امر مورد تأکید است که این اشخاص نه به لحاظ موقعیت عمومی، بلکه در جایگاهی مشابه دیگر اعضای سازمان در امور ذی‌ربط مشارکت خواهند داشت.

۶۴. قاسمی و تسخیری، همان، ۲۳۷.

65. Pavot and Laperle-Forget, *op.cit.*, pp. 141-142.

به این ترتیب، زیربنای رژیم حقوقی امتیازات و مصونیت‌های سازمان‌های بین‌المللی، اصل ضرورت کارکردی است که به‌طور خلاصه در متن ماده ۱۰۵ سازمان ملل متحد بیان شده است که مقرر می‌دارد سازمان‌های بین‌المللی (در این مورد سازمان ملل) باید از «امتیازات و مصونیت‌هایی که برای تحقق اهداف آن ضروری است» برخوردار شوند.^{۶۶} در پی رویکرد منشور، پایبندی به اصل ضرورت کارکرد به‌عنوان معیاری برای اعطای امتیازات و مصونیت‌ها به سازمان‌های بین‌المللی تبدیل به رهیافت رایج شده است.^{۶۷}

رویه عملی دولت‌ها دلالت دارد که اولاً فقط معدود سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که مأموریت بسیار مهمی برای جامعه بین‌المللی دارند، از مصونیت برخوردارند؛ ثانیاً این مأموریت مرتبط با منافع بین‌المللی باید به‌صراحت در یک منبع حقوق بین‌الملل، مانند کنوانسیون چندجانبه‌ای که به‌طور گسترده تصویب شده یا چندین قطعنامه‌ای که به اتفاق آرا در یک سازمان بین‌المللی صادر شده است، یا در بیشتر موارد در هر دو، به رسمیت شناخته شده باشد. این واقعیتی است که فقط در مورد پنج سازمان بین‌المللی غیردولتی یعنی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، صندوق جهانی مبارزه با ایدز، سل و مالاریا، اتحادیه واکسن و آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ قابل احراز است. بنابراین دو ملاک مهم برای احراز این نظریه عبارت‌اند از: همکاری دولت‌ها با این سازمان‌ها و اعطای مأموریت مرتبط با منافع بین‌المللی یا شناسایی مأموریت سازمان در یک منبع حقوق بین‌الملل (مانند معاهده چندجانبه یا قطعنامه‌های متعدد سازمان بین‌المللی).^{۶۸} در رابطه با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، این مبنا به‌طور خاص مورد تأکید است چرا که مأموریت یا وظایف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که در کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، پروتکل‌های الحاقی آن‌ها و اساسنامه سازمان بین‌المللی صلیب سرخ آمده است، هم مبنای حقوقی و هم توجیهی برای شخصیت حقوقی و امتیازها و مصونیت‌های آن است و با استناد به اصل ضرورت کارکردی، هدف از اعطای مصونیت به این سازمان عبارت است از: فعالیت به‌عنوان کنش‌گر بشردوستانه؛ حفاظت از ماهیت محرمانه کار صلیب سرخ؛ و

66. Miller, Anthony J., "The Privileges and Immunities of the United Nations", *International Organizations Law Review*, vol. 6, Issue 1, 2009, pp. 9-23 and 62.

67. مذاکرات مقدماتی منشور سازمان ملل متحد، معنای اصل کارکردی، از جمله نیاز ذاتی آن به تضمین استقلال سازمان را بیشتر نشان می‌دهد. ماده ۱۰۵ منشور ملل متحد به مجمع عمومی سازمان ملل این اختیار را داد تا جزئیات اعمال این امتیازات و مصونیت‌ها را تعیین کند. مجمع این کار را از طریق تصویب کنوانسیون امتیازات و مصونیت‌های سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ انجام داد که تا حد زیادی به مرجعی برای تعریف امتیازات و مصونیت‌های سایر سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده است. در مجموع، امتیازات و مصونیت‌ها، ابزارهایی هستند که به سازمان بین‌المللی اعطا می‌شود تا بتواند به‌طور مؤثر مأموریت یا وظایفی را که جامعه بین‌المللی دولت‌ها به آن محول کرده‌اند، انجام دهد و این کار را مستقل و به شیوه‌ای کارآمد انجام دهد. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Debuf, *op.cit.*, pp. 332-333.

68. Pavot and Laperle-Forget, *op.cit.*, pp. 147-148.

تسهیل مدیریت روان مالی، اداری و منابع انسانی؛ تضمین و تسهیل ظرفیت عملیاتی کارآمد، سریع و مستقل برای انجام مأموریت صلیب سرخ، با کمترین هزینه ممکن؛ و این مهم که باید ظرفیت صلیب سرخ برای عمل به‌عنوان سازمان بی‌طرف، مستقل و بی‌طرف تضمین شود.^{۶۹} از جمله عواملی که به‌عنوان مؤید نظریه ضرورت کارکردی در دکترین مورد توجه قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از:

الف. دغدغه دولت‌ها در موضوع‌های مرتبط با صلاحیت سازمان‌های غیردولتی

دولت‌ها در تأسیس معدود سازمان غیردولتی مذکور برخوردار از مصونیت (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، صندوق جهانی مبارزه با ایدز، سل و مالاریا، اتحادیه واکسن و آژانس جهانی مبارزه با دویپنگ)، حتی سال‌ها قبل از ایجاد آن‌ها فعالانه مشارکت داشته‌اند. در واقع، دولت‌ها با طرح دغدغه در مورد برخی موضوع‌های خاص در کنفرانس‌های بین‌المللی یا نشست‌های بین دولتی قبلی، به‌تدریج ایده ایجاد نهادهای مستقل برای مقابله با این مسائل را مطرح کردند. به‌عنوان مثال، شانزده کشور در کنفرانس بین‌المللی ژنو در ۱۸۶۳ در کنار بنیادهای بشردوستانه شرکت کردند که منجر به تأسیس رسمی ICRC و تعیین وظایف آن شد.^{۷۰} به همین ترتیب، برای اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، کشورها بر اهمیت ایجاد یک نهاد مستقل برای تضمین همکاری بین‌المللی برای حفاظت از طبیعت را در یک کنفرانس بین‌المللی (۱۹۴۸ در فونتبلو)،^{۷۱} تأکید کردند. همچنین تأسیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، صندوق جهانی مبارزه با ایدز، سل و مالاریا، اتحادیه واکسن و آژانس جهانی مبارزه با دویپنگ، ارتباط نزدیکی با ابتکار عمل و اقدام دولت‌ها دارد. در همه موارد مذکور، دولت‌ها به نحوی دغدغه خود را در خصوص انجام مأموریت‌های خاص توسط یک نهاد بین‌المللی مستقل ابراز کرده‌اند. از این رو اندکی پس از تأسیس آن‌ها بر اساس حقوق خصوصی، کشورها اهمیت مأموریت بین‌المللی این سازمان‌های غیردولتی را در یک معاهده چندجانبه یا مجموعه‌ای از قطعنامه‌های تصویب‌شده توسط سازمان‌های بین‌المللی مربوطه به رسمیت شناختند.^{۷۲}

ب. به‌رسمیت‌شناختن مأموریت مرتبط با منافع بین‌المللی برای یک سازمان بین‌المللی غیردولتی در منابعی از حقوق بین‌الملل (معاهده چندجانبه یا قطعنامه‌های مکرر)

در رویه بین‌المللی، دولت‌ها منافع بین‌المللی مرتبط با مأموریت سازمان‌های غیردولتی را در ضمن اقدامی

69. Debuf, *op.cit.*, p. 333.

70. Resolutions of the International Conference of Geneva [our translation] (26-29 October 1863).

71. Fontainebleau

72. Pavot and Laperle-Forget, *op.cit.*, p. 150.

منفرد یا در پاسخ به شرایط خاص به رسمیت نشناخته‌اند، بلکه مأموریت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی را در برخی معاهدات مهم یا مجموعه‌ای از قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی مقرر کرده‌اند. به‌طور مثال در مورد صلیب سرخ، این حرکت از میثاق جامعه ملل (۱۹۱۹) شروع شد.^{۷۳} البته در آن فقط انجمن‌های ملی صلیب سرخ مورد توجه بودند. در ۱۹۲۹ بود که اهمیت مأموریت صلیب سرخ برای جامعه بین‌المللی برای اولین بار از طریق تصویب ماده ۸۸ کنوانسیون رفتار با اسیران جنگی به رسمیت شناخته شد: «مفاد فوق، در زمینه اقدام بشردوستانه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهت حفاظت از اسیران جنگی با رضایت طرف‌های متخاصم، مانعی ایجاد نخواهد کرد».^{۷۴}

به این ترتیب، در زمان کنفرانس دیپلماتیک در ژنو در ۱۹۴۹ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در جامعه بین‌المللی اعتبار قابل‌توجهی کسب کرده بود و دولت‌ها بدون هیچ بحثی در مورد مفاد مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به‌صراحت بر ایفای نقش صلیب سرخ توافق و آن را تصویب کردند. بر اساس اقدام‌های مقدماتی کنوانسیون‌های مذکور ظاهراً اغلب کشورها به نام‌گذاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اتفاق نظر داشته‌اند. در مورد شناسایی مأموریت سازمان‌های غیردولتی مرتبط با منافع بین‌المللی در مجموعه‌ای از قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی می‌توان به اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت اشاره داشت. اگرچه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد معمولاً دارای نیروی الزام‌آور نیستند، اما اگر مکرر باشند، می‌توان از آن‌ها برای نشان دادن اعتقاد به الزام‌آور بودن^{۷۵} به‌عنوان بخشی از روند تدوین قاعده عرفی استفاده کرد.^{۷۶} با این حال، مجال اثبات و احراز یک قاعده عرفی بین‌المللی خاص در رابطه با اعطای مصونیت به سازمان‌های غیردولتی در اینجا نیست، بلکه تعدد قطعنامه‌های صادره و پابندی گسترده به آن‌ها باید به‌عنوان ملاک عینی به کنوانسیون‌های بین‌المللی اضافه شود تا از آن‌ها ارتباط مأموریت سازمان با منافع بین‌المللی احراز شود. در مورد اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت،^{۷۷} اوایل ۱۹۶۲ مجمع با تصویب قطعنامه ۱۸۳۱ مأموریت این سازمان را به رسمیت شناخت و به جامعه بین‌المللی توصیه کرد که اقدام‌هایی را در جهت کمک به اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت انجام دهد تا هدف حفظ منابع طبیعی، گیاهان و جانوران محقق شود که این امر دارای اهمیت قابل‌توجهی برای توسعه اقتصادی بیشتر کشورها و منافع مردم

۷۳. ماده ۲۵ میثاق جامعه ملل مقرر می‌کند: «اعضای جامعه موافقت می‌کنند که تأسیس و همکاری سازمان‌های داوطلبانه ملی صلیب سرخ را که با اهداف بهبود سلامت، پیشگیری از بیماری‌ها و کاهش درد و رنج در سرتاسر جهان اقدام می‌کنند، تشویق و ترویج نمایند».

74. Convention relative to the Treatment of Prisoners of War, 27 July 1929, 118 LNTS 344, art. 88.

75. *opinio juris*

76. Nicaragua v. United States of America, ICJ Reports 1986, para.188 (27 June)

77. International Union for Conservation of Nature (IUCN)

آن‌ها است.^{۷۸} پس از آن، مجمع در ۱۹۸۰ دبیرکل را موظف به همکاری با اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و برنامه محیط‌زیست ملل متحد^{۷۹} کرد تا پیش‌نویس مناسبی را با چشم‌انداز تصویب یک منشور جهانی برای طبیعت تدوین کند.^{۸۰} سپس در قطعنامه بعدی که در ۱۹۸۱ به تصویب رسید، مجمع از اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و برنامه محیط‌زیست ملل متحد خواست که در پیش‌نویس منشور جهانی طبیعت^{۸۱} بازنگری کند.^{۸۲}

نظریه ضرورت کارکردی، در عمل با موانعی مواجه است و فقط برای توجیه مصونیت معدود سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی قابل استناد است چرا که ملاک احراز کارکردهایی که ذیل «مأموریت منافع بین‌المللی» قرار می‌گیرند، کاملاً ذهنی است. در واقع نظریه کارکردگرایی، مصونیت‌های اعطاشده به سازمان‌های غیردولتی را به‌طور موردی و جزئی توجیه می‌کند. در واقع، بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، مانند کمیته بین‌المللی المپیک، با اینکه وظایف مهمی را برای جامعه بین‌المللی ایفا می‌کنند، از هیچ مصونیتی برخوردار نیستند. در مجموع، نظریه «ضرورت کارکردی» به‌عنوان مبنای مقبولی برای توجیه مصونیت‌ها و مزایای سازمان‌های بین‌المللی، اگرچه نسبت به نظریه‌های دیگر، سازگاری بیشتری با این دسته از اعضای جامعه بین‌المللی داشته، از انتقاد مصون نبوده است. از جمله انتقادهای مطرح‌شده بر اساس این مبنا: ۱. رویکردی ابزارگرایانه نسبت به حیات بین‌المللی اتخاذ شده است؛ حال آنکه اعطای مزایا و مصونیت‌ها بیشتر، حاصل مذاکرات انجام‌گرفته در میان سازمان و دولت است. ۲. مفهوم ضرورت کارکردی خالی از ابهام نیست زیرا مذاکره‌کنندگان گاه در تعیین اینکه موردی از مصادیق ضرورت کارکردی است یا نه، اختلاف پیدا می‌کنند؛ ۳. کاستی دیگری که برای نظریه ضرورت کارکردی برشمرده می‌شود، خصیصه باز یا مفتوح‌بودن آن است.^{۸۳}

۳-۴. نظریه ساختارگرایی: اداره و تأمین مالی توسط بازیگران عمومی و خصوصی

نظریه ساختارگرایی مقرر می‌کند که تنها مؤسساتی با ترکیب مختلط از اداره و تأمین مالی توسط بازیگران عمومی و خصوصی از مصونیت برخوردارند. بر این مبنا، پنج سازمان غیردولتی مورد بحث (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، صندوق جهانی مبارزه با ایدز، سل و مالاریا، اتحادیه واکسن و آژانس جهانی مبارزه با دویپینگ) همگی از جهتی ترکیبی هستند، که اعطای

78. Economic development and the conservation of nature, GA Res 1831 (XVII) (18 December 1962).

79. United Nations Environment Programme (UNEP)

80. Draft World Charter for Nature, GA Res 35/7 (30 October 1980).

81. Draft World Charter for Nature, GA Res 36/6 (27 October 1981).

82. Pavot and Laperle-Forget, *op.cit.*, pp. 151-153.

۸۳. حسینی آزاد و احسن‌نژاد، همان، ۱۱۵ و ۱۱۷.

84. the Theory of Institutionalism

مصونیت به آن‌ها را توجیه می‌کند. با وجود این، نمی‌توان بر اساس آن به این نتیجه رسید که چرا کشورها به سایر سازمان‌های غیردولتی با ساختاری مشابه، مانند اتحاد جهانی برای بهبود تغذیه^{۸۵} یا مجمع جهانی اقتصاد،^{۸۶} مصونیت اعطا نکرده‌اند. در کنار شاخصی که به موجب آن، کشورها فقط به سازمان‌های غیردولتی که مأموریت مرتبط با منافع بین‌المللی آن‌ها در سند حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است، مصونیت اعطا می‌کنند، نتیجه تحقیقات، شاخص دیگری را نشان می‌دهد که با رویه نوظهور دولت‌ها در اعطای مصونیت‌ها مرتبط است: از دیگر شاخص‌های مطرح برای اعطای مصونیت به سازمان‌های غیردولتی، ساختار مختلط این سازمان‌ها از حیث اداره، عضویت و تأمین مالی است که با محوریت کنش‌گران خصوصی و در مواردی با همکاری نهادهای عمومی و دولتی است.^{۸۷} البته این شاخص به‌عنوان رویه عمومی در قبال کلیه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی اعمال نمی‌شود و همچنان رویه دولت‌ها موردی و گزینشی است و همین امر ارائه نظریه کلی در مورد مبنای مصونیت این سازمان‌ها را دشوار می‌کند.

نتیجه

جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در دهه‌های اخیر با توجه به تنوع و گستردگی فعالیت‌ها ارتقا یافته و حیطة فعالیت‌ها آن‌ها موسع شده است. تنوع و اهمیت موضوع‌های تحت صلاحیت این سازمان‌ها، مؤیدی بر ضرورت و عملکرد تأثیرگذار آن‌هاست، به نحوی که امروز به‌عنوان تابعان فرعی و ثانویه حقوق بین‌الملل، در کنار تابعان اولیه یعنی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در عرصه بین‌المللی نقش آفرینی می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به‌عنوان بخشی از کنش‌گران جامعه بین‌المللی با ماهیتی متفاوت از دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی، از منظر ظرفیت‌های حقوقی مختلف از جمله برخورداری از مصونیت مورد توجه قرار گرفته‌اند. بر همین اساس، مقالات متعدد داخلی و خارجی طی سال‌های اخیر در ارتباط با موضوع‌های حقوقی مرتبط با سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نگارش یافته‌اند که البته در این میان، برخی مسائل از جمله موضوع مصونیت، بسیار جدید و در محدود منابع خارجی به تفصیل بررسی شده‌اند. از آنجا که تحولات عمیقی در حوزه حقوق سازمان‌های بین‌المللی به چشم می‌خورد که ثمره آن تضمین استقلال سازمانی ذیل اصل مصونیت بر مبنای ضرورت کارکردی سازمان‌های بین‌المللی است، این ایده البته با قدری تردید در مورد سازمان‌های غیردولتی نیز مطرح است. دلیل طرح مسئله مصونیت در مورد سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، مبتنی بر همان دغدغه است که در کشور

85. the Global Alliance for Improved Nutrition

86. the World Economic Forum

87. Pavot and Laperle-Forget, *op.cit.*, pp. 142, 156.

محل استقرار یا فعالیت سازمان، نهادهای عمومی یا اشخاص خصوصی به انحاء مختلف متعرض سازمان و مانعی برای اقدام آن نشوند. البته ضمن پذیرش وجوه تشابهی میان سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی مانند انجام وظایف و مأموریت تأمین منافع بین‌المللی و استقلال از دولت‌ها، نمی‌توان برخی از تفاوت‌های عمده را نادیده گرفت و امروز در نظام حقوق بین‌الملل، رویکرد تشابه‌انگاری سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی با سازمان‌های بین‌المللی دولتی مورد پذیرش نیست. قوانین ملی، دستورها و موافقت‌نامه‌های مقرر منعقد بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در موضوع مصونیت از اهمیت بالایی برخوردارند. با وجود این، شناسایی و احراز وجود قاعده یا رویه‌ای واحد در نظام بین‌المللی در این رابطه، امری دشوار است. در واقع هنوز شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در رویه بین‌المللی محل چالش است و از آنجا که همگی از اختیارات و تکالیف یکسانی برخوردار نیستند، از شخصیت حقوقی بین‌المللی محدود نیز برخوردار می‌شوند. در رویه بین‌المللی معاصر، معدود سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، صندوق جهانی مبارزه با ایدز، سل و مالاریا، اتحادیه واکسن و آژانس جهانی مبارزه با دویپینگ) از مصونیت برخوردارند که همگی دارای سه ویژگی مشترک هستند: مختلط بودن از جهت اداره یا تأمین مالی، ایفای مأموریتی مرتبط با منافع بین‌المللی عمومی و شناسایی رسمی در یک کنوانسیون چندجانبه با تعدد اعضا یا توسط مجموعه‌ای از قطعنامه‌های مصوب یک سازمان بین‌المللی دولتی. از آنجا که اعطای مصونیت، ارتباط مستقیم با اعمال صلاحیت دولت‌ها دارد و در این مورد وفاق عمومی میان دولت‌ها وجود ندارد، عملکرد دولت‌ها برای اعطای مصونیت، گزینشی است و فقط شامل معدودی از سازمان‌های مذکور می‌شود. در دکتترین نیز مبنای مصونیت این سازمان‌ها محل بحث و چالش حقوق دانان قرار دارد اما رهیافت جدیدی مشتمل بر کارکردگرایی و ساختارگرایی معقول به نظر می‌رسد که ذیل آن‌ها شاخص‌هایی مانند مختلط بودن اداره یا تأمین مالی، ایفای مأموریتی مرتبط با منافع بین‌المللی عمومی و شناسایی رسمی در چارچوب یک معاهده چندجانبه یا قطعنامه‌های مکرر یک سازمان بین‌المللی دولتی مطرح و مورد تأکید هستند. نکته مهم در رابطه با اعطای مصونیت به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، بهره‌گیری از تجربه عملی این موضوع در مورد سازمان‌های بین‌المللی است که جامعه بین‌المللی، طی دهه‌های اخیر با جنبه‌های مختلف آن مواجه بوده است. ثمره چنین تعمقی این خواهد بود که ضمن تسهیل و تضمین فعالیت بهینه این سازمان‌ها، زمینه‌های سوءاستفاده از مصونیت توسط آن‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. زمانی، سیدقاسم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*. تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۴۰۲.

- مقاله

۱. بیگزاده، ابراهیم، «تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، *تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵ (۱۳۷۳).
۲. حسینی آزاد، سیدعلی و مسعود احسن‌نژاد، «سوءاستفاده از مصونیت‌ها و مزایای سازمان‌های بین‌المللی: به دنبال راهکاری برای مقابله با آن»، *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۱۷، ۳۴ (۱۳۹۷).
۳. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ «حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی»، *فصلنامه حقوق* ۳۸، شماره ۲ (۱۳۸۷).
۴. ضیائی، سیدیاسر و سیدهادی پژومان، «وضعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران»، *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۸، شماره ۱۵ (۱۳۸۸).
۵. عسکری، پوریا، «مناسبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی در آیین تغییر»، *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۸، شماره ۱۵ (۱۳۸۸).
۶. عسکری، پوریا و نیلوفر سعیدی، «سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و نظارت بر اجرای حقوق بشر با تأکید بر عفو بین‌الملل»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی* ۱۸، شماره ۵۳ (۱۳۹۵).
۷. قاسمی، غلامعلی و محمدصالح تسخیری، «شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی* ۱۹، شماره ۵۵ (۱۳۹۶).
۸. کامل نواب، مرتضی و غلامعلی قاسمی، «نقش سازمان‌های غیردولتی در فرایند رسیدگی دیوان اروپایی حقوق بشر»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی* ۲۲، شماره ۱ (۱۴۰۱).
۹. مفخم‌ناصراسلامی، نگار و احمد مؤمنی‌راد، «سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و نقش آن‌ها در حقوق بشر: مطالعه موردی دیده‌بان حقوق بشر»، *فصلنامه علمی پژوهشی تعالی حقوق* ۵، شماره ۲ (۱۳۹۸).

ب. انگلیسی

- Books

1. Ben-Ari, Rephael Harel, *the Normative Position of International Non-Governmental Organizations under International Law*, Leiden/Boston: Martinus Nijhoff Publishers, 2012.
2. Clarke, Lisa, *Responsibility, of Hybrid Public-Private Bodies Under International Law: A Case Study of Global Health Public-Private Partnerships*, Abingdon: Routledge, 2014.

- Articles

1. Charnovitz, Steve, "Nongovernmental Organizations and International Law", *The American Journal of International Law*, Vol. 100, No. 2, 2006, pp. 348-372.
2. Clarke, Lisa, "Responsibility of International Organizations under International Law for the Acts of Global Health Public-Private Partnerships", *Chicago Journal of International Law*, Vol. 12. No. 1, 2011, pp. 55-84.
3. Debuf, Els, "Tools to do the job: The ICRC's legal status, privileges and immunities", *International Review of the Red Cross*, Vol. 97, 2016, pp. 319-344.
4. Hume, Jessica and Leonard, Anné, "Exploring the Strategic Potential of Internal Communication in International Non-governmental Organizations", *Public Relations Review*, Vol. 40(2), 2013, pp. 2-11.
5. Klabbers, Jan, "The EJIL Foreword: The Transformation of International Organizations Law", *European Journal of International Law*, Vol. 26, Issue 1, February 2015, pp. 9-82.
6. Miller, Anthony J., "The Privileges and Immunities of the United Nations", *International Organizations Law Review*, Vol. 6, Issue 1, 2009, pp. 7-115.
7. Ossewaarde, R., Nijhof, A., & Heyse, L., "Dynamics of NGO legitimacy: How organizing betrays core missions of INGOs", *Public administration and development*, Vol. 28(1), 2008, pp. 42-53.
8. Pavot, David and Laperle-Forget, Lolita, "The Emergence of Objective Guidelines for Granting Immunity to International Non-Governmental Organizations", *Chinese Journal of International Law*, Vol. 20, Issue 1, 2021, pp. 137-163.
9. Rona, Gabor, "The ICRC's privilege not to testify: Confidentiality in action. An explanatory memorandum", *International Review of the Red Cross*, Vol. 84, 2002, Published online by Cambridge University Press: 19 April 2010, pp. 207-219.

- Documents

1. Agreement between the Swiss Federal Council and the GAVI Alliance to determine the legal status of the GAVI Alliance in Switzerland [translated by the authors], RO 2009 4567.
2. Agreement on privileges and immunities of the Global Fund to Fight AIDS, Tuberculosis and Malaria (14 December 2009), UNTS No. 55785.
3. Convention relative to the Treatment of Prisoners of War, 27 July 1929.
4. CP/Res. 759 (1217/99), Guidelines for Participation by Civil Organization in OAS Activities, 15 December 1999.
5. Draft World Charter for Nature, GA Res 36/6 (27 October 1981).
6. Economic development and the conservation of nature, GA Res 1831 (XVII) (18 December 1962).
7. ESC Res. 288 B(x), 27 February 1950.
8. ESC Res.1296 (XLIV), 23 May 1968.
9. ESC Res.1996/31, 25 July 1996.
10. European Convention on the Recognition of the Legal Personality of International NGOs, 1986.
11. ICTY, Prosecutor v. Simić et al., Case No. IT-95-9, Decision on the Prosecution Motion under Rule 73 for a Ruling Concerning the Testimony of a Witness, 27 July 1999).
12. The Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora (entered into force on 1 July 1975).